

”

ما بایستی خیلی زودتر از این‌ها کودکانمان را دریابیم تا بجای این‌که غرق در دنیای خیالی والت دیزنی و امثالهم باشند و قهرمان‌های غیرواقعی غیربومی‌اش جلوی چشمانشان باشد با اسامی چون علیمحمدی‌ها و طهرانی‌مقدم‌ها و آشتیانی‌ها و فخری‌زاده‌ها و صدها دانشمند دیگر آشنا بشوند

مؤسسه دولتی یا خصوصی است که این اندازه ضعیف عمل کرده‌اند. دانشجویان دانشگاه شریف که در این شب‌ها تلاشی برای شناساندن دانشمندان متعددی ایرانی کرده‌اند خود نمونه‌ای از نخبه‌های متعددی هستند که مدت‌هاست در جامعه دیده و باور نمی‌شوند. کودکان و نوجوانانمان که هیچ بسیاری از بزرگ‌ترهایشان هم باور ندارند ما در کشورمان دانشمندانی داریم که در سطح جهانی حرفی برای گفتن داشته و دارند و از آن مهم‌تر اینکه این یافته‌ها و کشفیات و اختراعات در زندگی مردم این مرزوبوم و افزایش امنیت و آرامش‌شان قابل لمس است.

اگر چنین طرح درس‌هایی الگو می‌شد برای نه حتی همه مهدکودک‌های ایران بلکه حداقل مهدکودک‌های شهرهای مختلف، که این روزها هم الحمدلله رو به رشد هستند و برنامه‌های خیلی خوبی برای بچه‌ها تدارک می‌بینند، چه اتفاق مبارکی پیش می‌آید. اگر در این شب‌ها هرکدام از فرزندان ما فقط بانام و کار و تخصص دو قهرمان پیش‌شان پیشرفت بوم خودشان آشنا می‌شدند، چند ده هزار کودک قدمی در مسیر شنیدن روایت پیشرفت برداشته بودند و هرکدام نماینده‌ای برای اعضای خانواده‌شان می‌شدند؛ و این شناخت و حس اعتمادبه‌نفس و دومینووار احساس و شناخت خانواده‌های ما را هم مشغول می‌کرد. اما متأسفانه واقعیت جامعه ما چیز دیگری است. بارها بسیاری از اساتید دانشگاه و معلمان هم فضای ناامیدی از پیشرفت و شکست را در فضای جامعه پررنگ می‌کنند. نه مدارس آن‌طور که باید و نه مهدکودک‌ها در عمل به بچه‌هایمان حرفی از موفقیت‌های علمی دانشمندانمان نمی‌زنند و افسوس آنکه اگر حرفی هم از دانشمندان به میان بیاید یا علمی را روایت می‌کنند که اثری در زندگی مردم ندارد یا نخبگان مهاجرت کرده، می‌شوند الگوی فرزندانمان. ما بایستی خیلی زودتر از این‌ها کودکانمان را دریابیم تا بجای اینکه غرق در دنیای خیالی والت دیزنی و امثالهم باشند و قهرمان‌های غیرواقعی غیربومی‌اش جلوی چشمانشان باشد با اسامی چون علیمحمدی‌ها و طهرانی‌مقدم‌ها و آشتیانی‌ها و فخری‌زاده‌ها و صدها دانشمند دیگر آشنا بشوند. به امید روزی که هدف و جهت‌گیری و حتی تولیدات رسانه‌ای و محصولاتمان در راستای شناخت خود واقعی قهرمانانمان باشد.

امشب تو مهد تعریفش رو کردند. تازه می‌دونستید فقط اون دو تا نبودند. رویانا و بنیانا و تأمینا و حنا هم بودند! هر شب بچه‌ها قبل از عزاداری و شعرخوانی محرم با روایت یکی از پیشرفت‌های ایران آشنا می‌شدند. مامان، می‌دونید شهید طهرانی مقدم چرا قهرمانه؟ چون کلی تلاش کرد و با دوست‌هایش موشک ساختند. موشک‌های واقعی. حالا ما هم به عالمه موشک داریم. دشمن می‌دونه اگه بخواد به دونه موشک به ایران بزنه ما ده تا جوابش رو می‌دیم. ما هم امشب باکاغذ موشک درست کردیم. شبیه موشک واقعی! چندوقت پیش هم دخترک با یک سؤال ما را متعجب کرده بود؛ یک روز با هیجان از پای شبکه نهال (که البته مناسب سنش نیست!) بلند شد و گفت: «وای. ایران یک روبات جراحی درست کرده که دکترها می‌تونن از یک شهر، مریض رو توی یک شهر دیگه عمل کنند! بینی چجوری آخه؟» (و انگار که مسأله مهمی را فراموش کرده باشد رو کرد از پدرش پرسید «بابا ایران چهارمین کشور تو جهان بود یا پنجمین؟! اصلاً می‌شه بیشتر بگید چطوری؟») خنده‌ام گرفته بود که بچه‌های این دوره و زمانه چقدر قابلیت شنیدن و فهمیدن دارند و ما قدر نمی‌دانیم. مهدالزهراى هیأت دانشگاه شریف هر شب با کمک کاردستی و رنگ‌آمیزی، برای بچه‌ها از قهرمان‌های علمی کشورمان حرف می‌زدند. قهرمان‌هایی از جنس خودشان. باکارهایی واقعی! کارهایی که حتی بچه‌ها اهمیت آن را متوجه می‌شدند و برایشان قابل افتخار بود. با خودم فکر می‌کردم رسالت سنگین معرفی قهرمانان کشورمان بر دوش کدام ارگان و

